

ویژه نامه شماره ۱ نامداران فیروزبهرام - خرداد ماه ۱۳۹۳ خورشیدی

دبیرستان و هنرستان ماندگار فیروزبهرام

۱۳۱۱

تاسیس



کنخسرو شاهرخ

نام‌داران فیروزبهرام

نام‌داران فیروزبهرام عنوانی است برای افرادی که زمانی در این مدرسه خوش‌نام درس داده‌اند، درس خوانده‌اند و یا سالیانی را در این آموزشگاه خدمت کرده‌اند و در گستره ملی یا بین‌المللی نامی آشنا دارند.

نخستین شماره از ویژه‌نامه‌های نامداران دبیرستان و هنرستان ماندگار فیروزبهرام را با سرگذشت بنیان‌گذار فیروزبهرام، ارباب کیخسرو شاهرخ، آغاز می‌کنیم که بنیان فیروزبهرام در مقابل خدمات دیگرش چندان به چشم نمی‌آید.

درباره ارباب کیخسرو شاهرخ بسیار نوشته‌اند و چنانچه پیداست نانوشته‌های بسیاری نیز همچنان باقی است. کافی ست تنها نگاهی به فهرست خدمات او بیندازیم تا این ادعا را باور کنیم و بپذیریم که به قولی، ارباب کیخسرو شاهرخ با این همه خدمات ارزنده، متنوع، فراوان و مؤثر، اگر زرتشتی نبود حتماً حداقل در یکی از دولت‌های زمان زندگی‌اش به وزارت منصوب می‌شد، گرچه بدون مقام وزارت هم کار چندین وزیر و وزارتخانه را انجام داده است.

فهرست مهم‌ترین خدمات ارباب کیخسرو شاهرخ:

- سرپرستی تاج‌گذاری احمدشاه با حداقل هزینه
 - در دوره قحط‌سالی و شیوع تیفوئید در تهران، موفق شد با پیشی گرفتن بر انگلیسی‌ها، یک‌صد خروار گندم از احمدشاه خریداری کند و برای توزیع بین مردم به دولت تحویل دهد.
 - تا پیش از ۱۲۸۳، ۷ مدرسه در کرمان ساخت.
 - مدال ستاره هند در سال ۱۲۸۳ و به سبب ده سال خدمت فرهنگی در شهر کرمان
 - از ۱۲۸۶ تا ۱۲۹۲، ساخت ۶ مدرسه در تهران
 - بنیان‌گذار انجمن زرتشتیان در ۱۲۸۶ خورشیدی
 - مدیریت شرکت سهامی تلفن، به مدت ۲۰ سال
 - ساخت آتشکده زرتشتیان تهران در سال ۱۲۹۶ خورشیدی
 - بنیان‌گذار قدیمی‌ترین کتابخانه رسمی کشور، کتابخانه مجلس، در سال ۱۳۰۲ خورشیدی
 - رئیس اداره مباشرت مجلس
 - سرپرست چاپخانه مجلس
 - بنیان‌گذار موزه مجلس
 - سرپرستی جشن تاج‌گذاری رضاشاه پهلوی با حداقل هزینه
 - نظارت بر احداث راه‌آهن سراسری
 - بنیان‌گذار دبیرستان فیروزبهرام در سال ۱۳۱۱
- ادامه در صفحه ۳۷

سرگذشت ارباب کیخسرو شاهرخ

بودرجمهر پر خیده دبیر فیزیک و ریاضی فیروز بهرام

کیخسرو شاهرخ از تاثیر گزارترین چهره‌های سیاسی، ملی و فرهنگی زرتشتیان ایران و پس از ارباب جمشید، از دوره دوم مجلس شورای ملی تا کشته شدنش - در تاریخ یازدهم تیرماه ۱۳۱۱ خورشیدی - نماینده زرتشتیان بوده است. او از پشتیبانان مشروطه و برقراری حکومت قانون بود و با یاری ارباب جمشید و دیگر آزادی خواهان زرتشتی، هم از لحاظ مادی و هم از نظر مجاهدت در کنار مشروطه خواهان بود.



ارباب جمشید جمشیدیان

زاده شدن در کرمان، در خانواده‌ای تاجر و با اصل و نسب منجم

در یادداشت‌هایش به زایش و اصل و نسب خود اشاره می‌کند: در تاریخ ۷ تیرماه ۱۲۵۴ خورشیدی در کرمان به دنیا آمد. پدرش شاهرخ، فرزند اسکندر و مادرش فیروزه دختر خسرو ساندل بود. پدر کیخسرو پیش از زایش او درگذشت. شاهرخ، پدر کیخسرو تجارت می‌کرد و در نجوم هم دست داشت. جد پدری‌اش به منجم‌های دوره صفویه می‌رسید.

کیخسرو و برادر بزرگ‌ترش رستم، در مکتب‌خانه‌ای که پسرعموی پدرشان به نام ملامرزبان (او هم از منجمان زمان خود بود) در کرمان تأسیس کرده بود، درس‌های ابتدایی را می‌آموزند. این برادران هنگامی که به سن ۱۲ و ۱۴ می‌رسند، مادرشان با پسرعموی خودش ازدواج می‌کند. رستم

و کیخسرو خانه کوچکشان را در کرمان ترک می‌کنند و به تهران پیش عموی دیگرشان می‌روند. دو برادر، ۴ سال در مدرسه آمریکایی‌ها در تهران درس می‌خوانند.

کیخسرو در کنار درس خواندن، در بیمارستان آمریکایی‌ها به کار هم می‌پردازد.

کیخسرو در خاطرات خود آورده است: در جوانی در مدرسه آمریکایی‌ها، روزهای یکشنبه به کلیسا سپرده می‌شدند و کشیش اصول دین مسیحی را برای آن‌ها تدریس می‌کرده. یک روزشماری از روحانیون مسلمان برای دیدن «عشاء ربانی» به مدرسه می‌روند. در بین مراسم، شخصی به نام شیخ یحیی (منسوب حاج ابوجعفر ملا) حضور داشت. پس از مراسم، پسری به نام کیخسرو را می‌بیند که در فکر فرورفته؛ از دین او می‌پرسد، کیخسرو می‌گوید: زرتشتی است، ولی از دین زرتشتی چیزی نمی‌داند. از دین مسیحی چیزهای زیادی یاد گرفته است. شیخ می‌گوید: بهتر است تو بروی و دین خودت را که اولین دین یکتاپرستی در دنیاست، مطالعه کنی. شیخ به کیخسرو می‌گوید: دین زرتشتی اصول خود را با سه دستور ساده و کامل: «اندیشه‌نیک، گفتارنیک، کردارنیک»، به جهانیان اعلام داشته و اغلب آموزش‌های دین‌های دیگر مثل کلیمی و مسیحی از دین زرتشتی گرفته‌شده. شیخ یحیی می‌گوید: او مسلمان است، ولی چون مطالعات دینی دارد، می‌تواند اصول دین زرتشتی را برای او بگوید و مدتی برای او و چند دانش‌آموز دیگر اصول دین زرتشتی را بیان می‌کند. سخنان او در کیخسرو تأثیر زیادی به‌جای می‌گذارد و نقطه عطفی می‌شود برای زندگی آینده او. کیخسرو می‌نویسد که شیخ یحیی بعدها چند دوره نماینده مجلس می‌شود. او هیچ‌گاه توصیه‌های شیخ یحیی را فراموش نکرده و به روان او درود می‌فرستد.

در ۱۶ سالگی به بمبئی می‌رود و یک سال بعد به علت بیماری به تهران برمی‌گردد. در ۱۸ سالگی با فیروزه کریمداد فرهی ازدواج می‌کند. حاصل این ازدواج ۷ پسر و ۴ دختر بوده است. دو پسرش در کودکی می‌میرند و یک پسر دیگرش به نام شاه‌رخ، که جوان تحصیل‌کرده‌ای بوده، به اصرار خودش برای تحصیلات عالی با شخصی به نام «پرنسس ارفع» عازم اروپا می‌شود. ولی در راه شیراز به دلیل ناامنی در حمله به کاروانش، با تیر قشقایی‌ها کشته می‌شود. پسران دیگر کیخسرو به نام‌های افلاتون، منوچهر، شاه‌بهرام، شاه‌بهمن و دخترانش فرنگیس، هما و پروین بودند. همسر کیخسرو به نام فیروزه پس از چندی فوت می‌کند و کیخسرو پس از چند سال با خانم کتابیون قباد ازدواج کرده و از او صاحب دو فرزند دیگر به نام‌های فریدون و داریوش می‌شود.



عکس از باب کیخسرو با مادرش و همسر دوم و پدرزن و گروهی دیگر از
افراد خانواده

بنیان‌گذاری مدرسه در کرمان

در زادگاه خودش - کرمان - آبادانی‌های بسیار پدید می‌آورد. از آن جمله بنیان‌گذار مدرسه‌های متعددی در کرمان بوده است. این مدارس با کمک مالی خیراندیشان زرتشتی و به همت و تلاش ارباب کیخسرو ساخته شده است.



ارباب کیخسرو و دانش‌آموزان در ۳۳ سال پیش



آب‌باب و فرمانفرما و ساکس در کرمان و در سال ۱۲۷۳ خورشیدی

ساخت آتشکده زرتشتیان

میرزا کیخسرو روی هم ۱۱ سال در کرمان خدمت کرد و بعد به تهران آمد. ساخت آتشکده زرتشتیان از نخستین کارهای او در تهران است که با تلاش و پشتکار بی‌مانندی به انجام می‌رسد. در خاطراتش از آن چنین یاد می‌کند: برای ساختن آدریان مشکلات زیاده‌تر بود؛ از جمله این که مخارج آن زیاده‌تر می‌شد و مشکلات دیگری هم بود که از ذکر آن خودداری می‌شود.

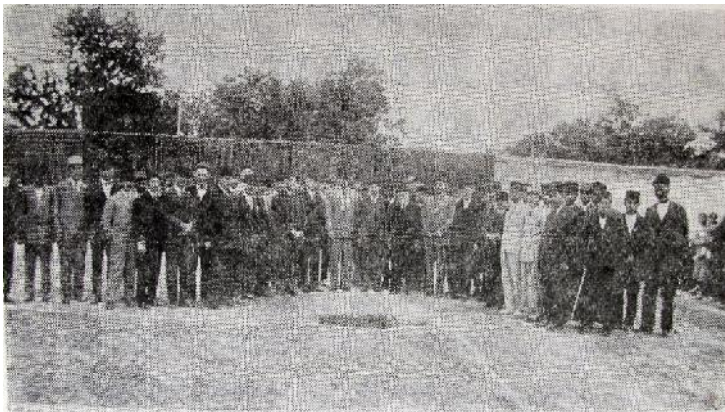
ناچار از زرتشتیان تهران، یزد، کرمان و کاشان استمداد شد و هم‌چنین از شادروان مهربان خداداد مهر تقاضا شد که به شهرستان‌ها مسافرت و جلب مساعدت زرتشتیان را بنماید. مبالغ کافی گردآوری شد و به‌علاوه پارسی پنجایت پارسیان و هم‌چنین جمشید مهربان کرمانی هم کمک کردند و بالاخره در سال ۱۲۹۶ خورشیدی، آدریان و مدرسه دخترانه ایرج در کنار آن ساخته شد.



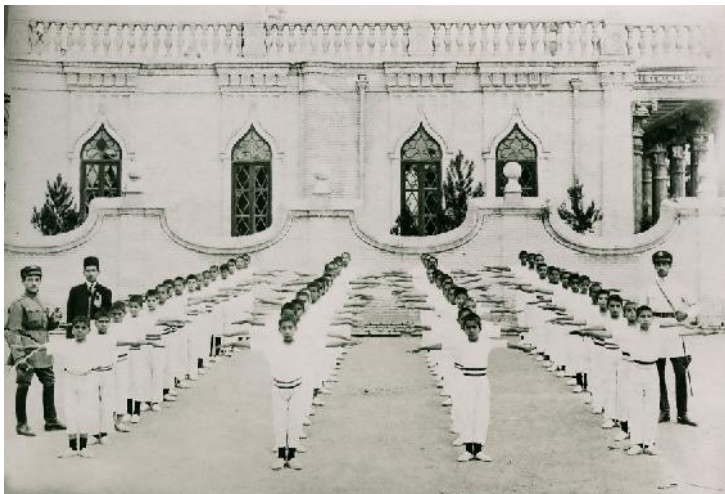
ساخت دبیرستان فیروزبهرام

در سال ۱۳۱۰ خورشیدی «بهرام‌جی بی‌کاجی» از پارسیان هند، به تهران آمد. این بزرگوار هم پسری داشت که پس از پایان تحصیلات، به هنگام برگشت از انگلستان و جنگ بین‌الملل اول، در اثر اصابت اژدر به کشتی‌اش، در سال ۱۲۹۵ خورشیدی، غرق شده بود.

پس از گفتگوهای ارباب کیخسرو و بهرام‌جی، این پارسی خیراندیش مبلغی برای ساختمان دبیرستان فیروزبهرام به انجمن زرتشتیان اهدا کرد. سنگ بنای مدرسه فیروزبهرام در زمان وزارت نیرالملک هدایت گذاشته شد و در سال ۱۳۱۱ خورشیدی افتتاح شد.



سنگ بنای دبیرستان فیروز بهرام - فروغی نخست‌وزیر دادگر
دین‌شاه ایرانی و ارباب کیخسرو در عکس دیده می‌شوند







ساخت دبیرستان انوشیروان دادگر

پس از آن قرار شد مدرسه بزرگی هم برای دختران ساخته شود. در مسافرتی که اردشیرجی ریپورتر به هندوستان کرد، از بانو «راتن بایی بامجی تاتا» برای تأسیس دبیرستان دخترانه تقاضای مساعدت کرد.

ارباب کیخسرو به وسیله اردشیرجی ریپورتر، با بانو تاتا مذاکره و موافقت او را جلب کرد. خانم راتن بایی بامجی تاتا، به دنبال تقاضای ارباب کیخسرو، انجمن زرتشتیان تهران و مذاکراتی که اردشیرجی کرده بود، مخارج ساختمان را تعهد و پرداخت کرد. مدرسه دخترانه به نام پدر این بانوی نیکوکار، انوشیروان تاتا، به نام «انوشیروان دادگر» نامیده شد.



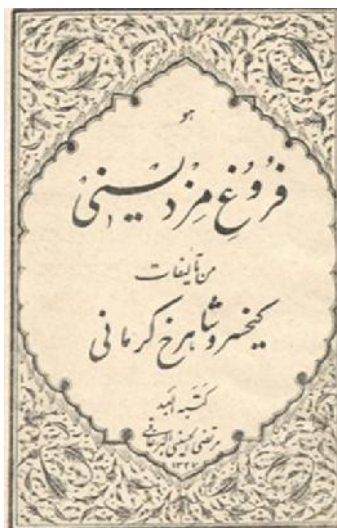
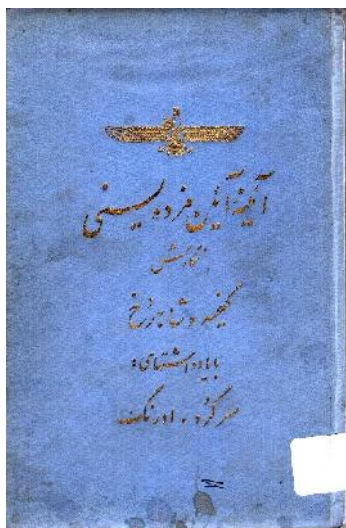
مراسم اولین سنگ بنای یکی از مدارس زرتشتیان در تهران (دبیرستان انوشیروان دادگر) فروغی و ارباب کیخسرو و گروهی از رجال درعکس دیده میشوند

ساخت آرامگاه قصر فیروزه

برای آرامگاه زرتشتیان، قسمتی از خالصه جات رضاشاه را نصف به پول خود و نصف بقیه را از کمک‌های مردم می‌خرد و آن را وقف جامعه زرتشتی می‌کند.

کتاب‌های ارباب

ارباب کیخسرو به مسایل فرهنگی جامعه توجه زیادی داشت. فارسی سره‌نویسی را در مجلس رواج داد و از کسانی بود که نامه‌نگاری در مجلس را به‌سوی فارسی‌نویسی برد. دو کتاب به نام‌های «آینه آیین مزدیسنی» (به فارسی سره) و «فروغ مزدیسنی» نوشت. این کتاب‌ها از نخستین کتاب‌هایی است که به فارسی، به‌طور علمی اندیشه‌های اشوزرتشت را تفسیر و بیان می‌کند.

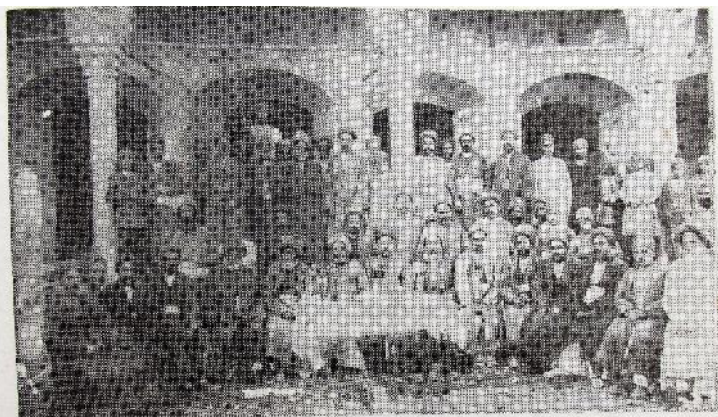


بنیاد انجمن زرتشتیان

نخستین بار کیخسرو خان صاحب، نماینده دوم انجمن خیریه زرتشتیان بمبئی — در زمان ناصرالدین شاه — انجمن‌های تهران، یزد، کرمان را بنیان نهاد. این انجمن‌ها به نام «انجمن ناصری» نامیده می‌شدند. مدتی هم ارباب دینیار کلانتر خدماتی انجام داد. مظفرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۵ خورشیدی فرمان مشروطیت را صادر کرد و به‌واسطه خدمات دینیار کلانتر به زرتشتیان، به او لقب «امین‌الفراسیان» داد.

پس از درگذشت ارباب دینیار تا بازگشت ارباب کیخسرو از کرمان به تهران، مدتی انجمن‌های زرتشتیان تهران، یزد و کرمان تعطیل بود. پس از تصویب قانون اساسی ایران در مجلس مؤسسان، لازم بود که انجمن‌های زرتشتیان تهران، کرمان و یزد دوباره تشکیل شود. ارباب کیخسرو در سال ۱۲۸۶ خورشیدی، عده‌ای از زرتشتیان ساکن تهران را در کاروانسرای مشیر خلوت گرد هم آورد و ۱۲ نفر برای مدت دو سال به‌عنوان اعضای انجمن زرتشتیان تهران انتخاب و نخستین دوره

انجمن را به‌طور رسمی تشکیل داد. ارباب کیخسرو به‌عنوان رئیس انجمن زرتشتیان انتخاب شد و تا پایان زندگی ریاست انجمن را به عهده داشت.



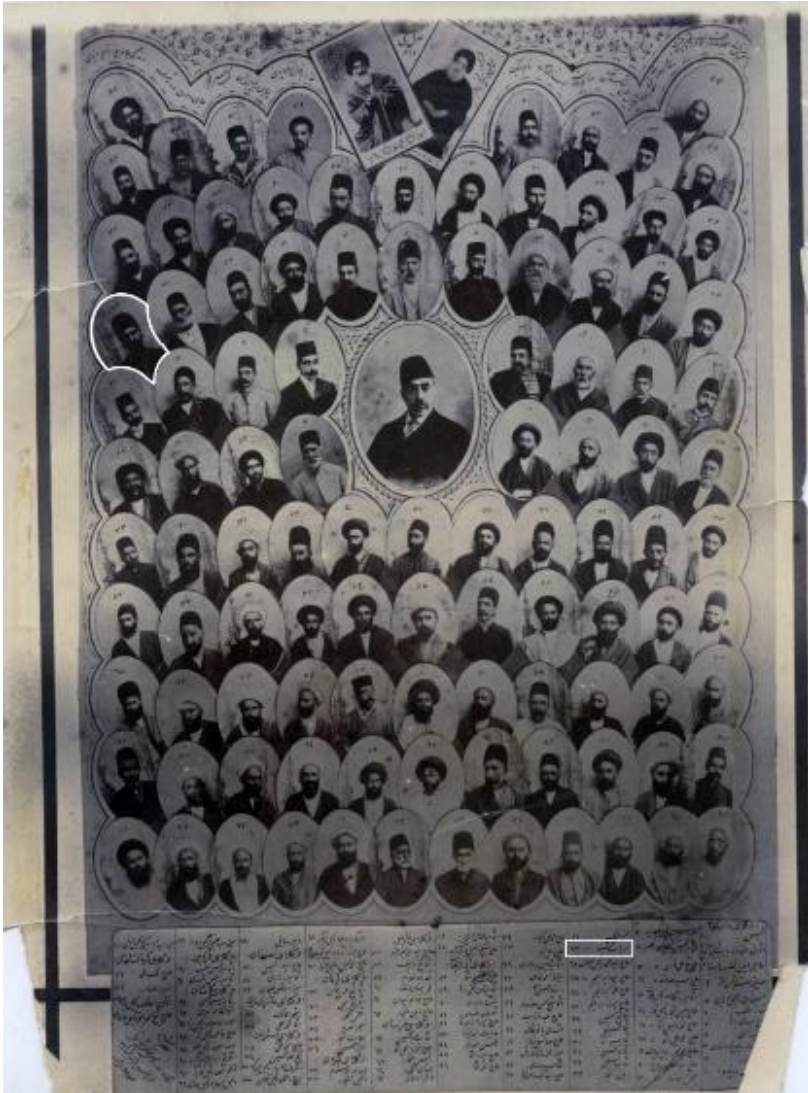
درنگاره بالا گروهی از بزرگان زرتشتی با طرز لباس پوشیدن بهنگامیکه ارباب کیخسرو از هند بکرمان مراجعت و آغاز بکار نمود دیده میشوند



ارباب کیخسرو با چند تن از همکاران در اوایل خدمات اجتماعی - جمشید مهر بان برادر دینیار مهر بان نیز در کنار و پهلوی ارباب دیده میشود

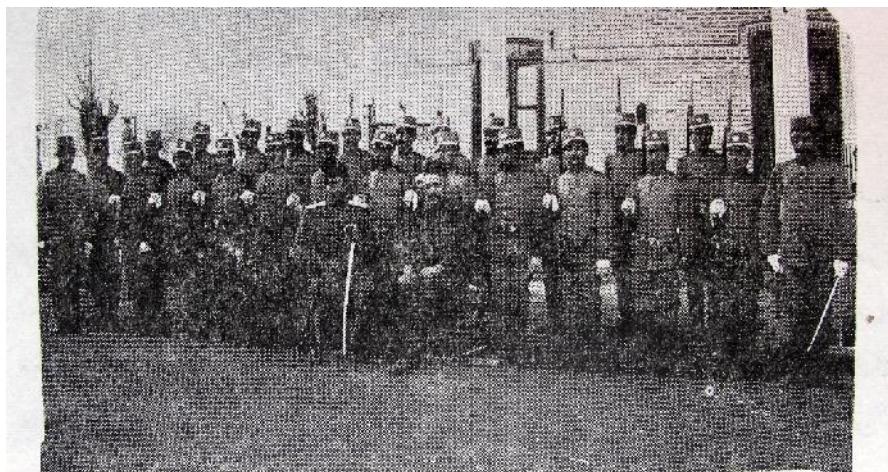
خدمات ارباب کیخسرو در مجلس

نخستین نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی، ارباب جمشید جمشیدیان، از بانکداران و تجار بزرگ ایران بود. او بانفوذی که در ایران داشت و با کمک‌های فراوانی که به مشروطه‌خواهان کرده بود، توانست برای زرتشتیان یک کرسی نمایندگی فراهم کند، در صورتی که دیگر دین‌های رسمی نماینده‌ای در مجلس نداشتند.



در دوره اول مجلس، هنگامی که ارباب جمشید نماینده مجلس بود، دولت لایحه‌ای به مجلس برد که در آن نوشته بود: «در مقابل قوانین مصوبه مجلس همه مسلمانان مساوی الحقوق هستند.» وقتی این لایحه در روزنامه‌ها چاپ شد، کیخسرو که کارمند ارباب جمشید بود، اعتراض کرد و لایحه‌ای نوشت که: همه ایرانیان در مقابل قوانین مصوبه مجلس دارای حقوق مساوی هستند و از آن قوانین بهره می‌برند و لایحه اصلاحی را به نظر احتشام السلطنه، رئیس و نواب رئیس و سایر نمایندگان مجلس رساند و به اتفاق عده‌ای از زرتشتیان پیش رئیس و نمایندگان مجلس رفتند و بالاخره موفق شدند که اصلاحات در این قانون را به تصویب مجلس برسانند و در قانون منظور نمایند.

مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۷ خورشیدی موفق شد محمدعلی شاه را که مجلس را به توپ بسته بود، از سلطنت خلع کند. انتخابات دوره دوم مجلس برگزار شد و در این دوره ارباب کیخسرو به نمایندگی زرتشتیان برگزیده شد.



گارد مجلس شورای ملی در مهرماه ۱۲۸۱ - ارباب کیخسرو و رئیس گارد
در وسط دیده میشوند



در این عکس ارباب کیخسرو شاهرخ با شماره ۵۰ مشخص شده است.

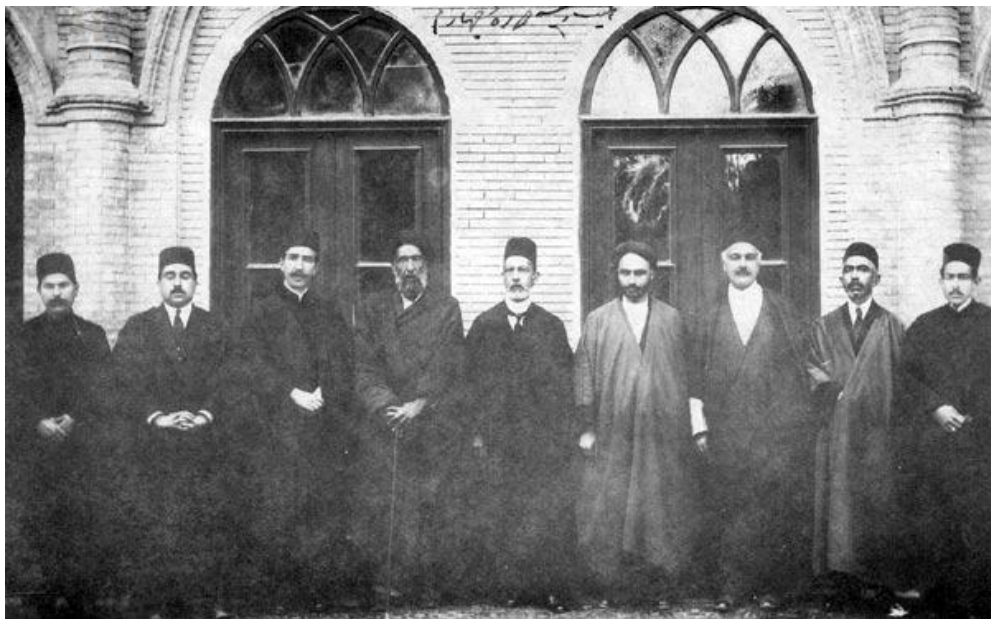
در سال ۱۳۱۲ خورشیدی، قانون مدنی کشور در مجلس مورد بحث بود. کیخسرو شاهرخ به اتفاق نمایندگان ارامنه و یهودیان (که از این دوره تازه دارای نماینده شده بودند)، پیشنهاد کردند که دادگاه‌ها به هنگام قضاوت موظف باشند قوانین مذهبی آن‌ها را در موارد ازدواج، طلاق و ارث رعایت کنند و بر اساس احوال شخصیه آن‌ها رأی صادر نمایند. کلیات این پیشنهاد مورد موافقت قرار گرفت، ولی می‌بایست موازین قانونی نوشته، منظم و برای تصویب فرستاده شود. ارباب کیخسرو نامه‌هایی را در این مورد به انجمن‌های یزد، کرمان نوشت، ولی پاسخی دریافت نکرد؛ به‌ناچار چندروزه، و از روی مطالب قابل دسترس، پیش‌نویسی شامل ۷۷ ماده تهیه و تقدیم انجمن‌های زرتشتیان شهرها کرد و هم‌زمان با آقای محسن صدر، وزیر دادگستری مشورت و سپس با دکتر متین دفتری، وزیر دادگستری و آقای جمال‌الدین فرزند حاج سید نصراله تقوی (آخوی) رئیس شعبه عالی دیوان عالی تمیز مشاوره نمود و اصلاحاتی را منظور و بالاخره به تصویب مجلس می‌رساند.

نمایندگان در چهارم تفتیش مجلس شورای ملی



این عکس از سال ۱۳۰۴ شمسی در تهران گرفته شده است. در این عکس نمایندگان مجلس شورای ملی در چهارم تفتیش مجلس شورای ملی در تهران دیده می‌شوند. این عکس در روزنامه «کامران» در شماره ۱۷۰۰ چاپ شده است. در این عکس نمایندگان مجلس شورای ملی در چهارم تفتیش مجلس شورای ملی در تهران دیده می‌شوند. این عکس در روزنامه «کامران» در شماره ۱۷۰۰ چاپ شده است. در این عکس نمایندگان مجلس شورای ملی در چهارم تفتیش مجلس شورای ملی در تهران دیده می‌شوند. این عکس در روزنامه «کامران» در شماره ۱۷۰۰ چاپ شده است.

در این عکس ارباب کیخسرو شاهرخ با شماره ۱۷ مشخص شده است. (سید حسن مدرس شماره ۶)



نفر سوم از سمت راست ارباب کیخسرو شاهرخ و نفر ششم سید حسن مدرس

نمایندگان دوره چهارم تقنینیه مجلس شورای اسبه ملی



(۱) آقای شیخ ابراهیم نماینده زنجان (۲) آقای آقا میرزا محمد صادق طباطبائی نماینده ساوجبلاغ (۳) آقای ناظم المصاحبه نماینده شالار (۴) آقای سیدالدین ملک نماینده قمه (۵) آقای امین الشریعه نماینده ایلات خمه فارس (۶) آقای سید یحیی نماینده شیراز (۷) آقای حاج شیخ اسدالله نماینده محلات (۸) آقای سرداوچک نماینده یخپاری (۹) آقای میرزا مرتضی نماینده کرمان (۱۰) آقای حاج میرزا عبدالوهاب نماینده همدان (۱۱) آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی نماینده گروس (۱۲) آقای میرزا ظاهر نگاشی نماینده طهران (۱۳) آقای سردار اقبال نماینده بهمنان و کنگویه (۱۴) آقای رکن الملک نماینده خرم آباد (۱۵) آقای انصاف الملک نماینده کرمان (۱۶) آقای حاج میرزا اسدالله خان نماینده کرمان (۱۷) آقای صدرالاسلام نماینده خمه (۱۸) آقای سید محمد تقی طباطبائی نماینده تبریز (۱۹) آقای امیر ناص نماینده شامو (۲۰) آقای یحیی یزدان کرمانی نماینده فارسجان (۲۱) آقای بهادر خان نماینده شاهرود (۲۲) آقای قوام الدوله نماینده حمزه (۲۳) آقای سید داوید نماینده وخت (۲۴) آقای میرزا محمد نجات نماینده ساری (۲۵) آقای مصحح الملک نماینده طهران (۲۶) آقای یونس ملک نماینده طهران و رئیس مجلس (۲۷) آقای سردار محمد نماینده وخت (۲۸) آقای فتح الدوله نماینده نجف آباد (۲۹) آقای وکیل الملک نماینده کردستان (۳۰) آقای میرزا محمد دانش نماینده طبس و یوز (۳۱) آقای حاج میرزا آقایی خان نماینده آقین (۳۲) آقای میرزا شهاب الدین نماینده میرجان (۳۳) شاهزاده اقبال السلطان نماینده سفر و یاه (۳۴) آقای دکتر اقدان نماینده کلبه بیان (۳۵) آقای عضد خان امیر مطلق نماینده گلیان (۳۶) آقای میرزا سید حسن خان نماینده بلوچستان (۳۷) آقای سارآمد مقمل نماینده ملین و طیس (۳۸) آقای مستشار الدوله نماینده میر و جرد (۳۹) آقای محمد النجار نماینده تبریز (۴۰) آقای بیان الدوله نماینده خمه (۴۱) آقای حاجشاه الدوله نماینده قشور اهوراز (۴۲) آقای پور و رضا نماینده شیر (۴۳) آقای وهبت الدوله نماینده جیرفت (۴۴) آقای سید محمد رضا سادات نماینده طهران (۴۵) آقای منتصر الملک نماینده عرستان (۴۶) آقای میرزا ابوالقاسم خان یوز و سات نماینده تبریز (۴۷) شاهزاده امیر دارمقش نماینده قزوین (۴۸) آقای میرزا محمد حسین صفورائی نماینده دیوانه و غیر و زکوه (۴۹) آقای حاج نصیر السلطنه نماینده بافر و رش (۵۰) آقای سید ابوالسلطان نماینده عراق (۵۱) آقای سردار داغ نماینده آبد (۵۲) آقای عبدالملک نماینده قفقاز (۵۳) آقای میرزا یاس نماینده ارومیه (۵۴) آقای عبدالملک نماینده سمنان (۵۵) آقای سید کظم نماینده یزد (۵۶) شاهزاده ملک الشعر اعلی نماینده مینو و د (۵۷) آقای نظام الدوله نماینده تبریز (۵۸) آقای سید ابوالحسن حائری زاده نماینده یزد (۵۹) شاهزاده محمد وانی میرزا نماینده تبریز (۶۰) آقای عبدالسلطنه نماینده بزم (۶۱) شاهزاده سلیمان میرزا نماینده طهران (۶۲) شاهزاده ناصر الدوله نماینده کرمانشاهان (۶۳) آقای میرزا ابراهیم خان ملک آرا نماینده قزوین (۶۴) آقای محمد السلطنه نماینده درجز (۶۵) آقای ارباب کیخسرو نماینده زردشتیان (۶۶) آقای نصیر دیوان نماینده کرمانشاهان (۶۷) آقای سید حسن مدرس نماینده طهران (۶۸) آقای رئیس النجاشی نماینده سبز و (۶۹) آقای حسین کشانی نماینده کاشان

در این عکس ارباب کیخسرو شاهرخ با شماره ۶۵ مشخص شده است. (سید حسن مدرس شماره ۶۷)

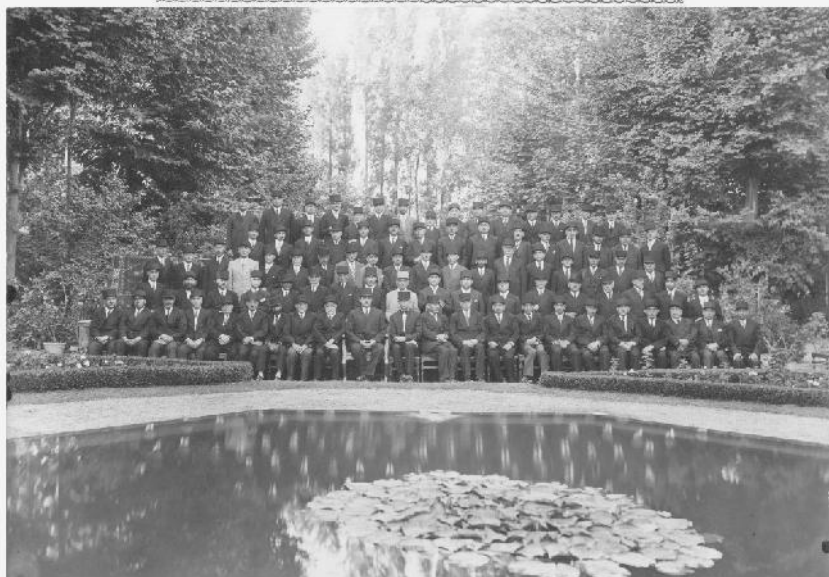
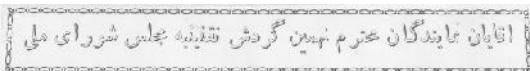
A large group photograph of the members of the Durrani Council, seated and standing in front of a large, ornate building with arches. The group consists of approximately 100 men, many with beards, dressed in traditional Afghan attire. They are arranged in several rows, with some seated on the ground in the front and others standing behind them. The building in the background features large arched doorways and decorative architectural elements.

- [illegible]

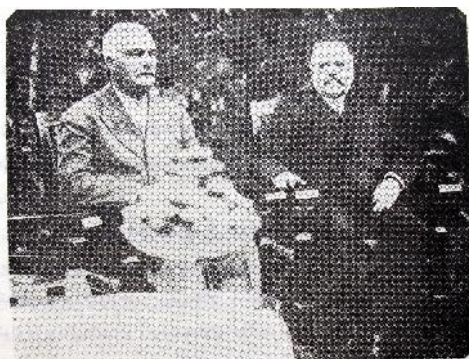
آلایان نهابندگان محترم نورۃ ششم تقیبنیه مجلس شورای ملی



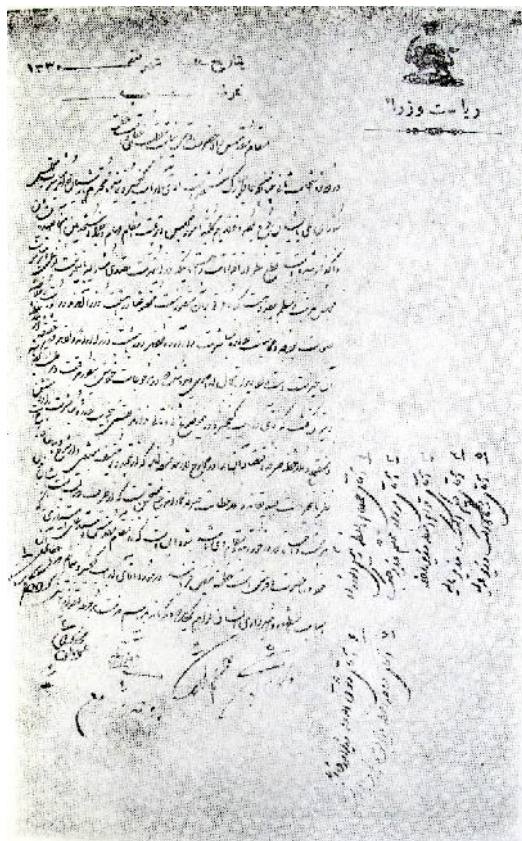
۱۹



در این عکس ارباب کیخسرو شاهرخ در ردیف اول از بالا نفر اول از سمت چپ (شماره ۷۷)



ارباب کیخرو و آقای حاج محسن السلطنه اسفندیاری ریاست وقت مجلس شورای ملی



حکمی که در زمان فترت از سوی دولت وقت صادر شده است

سامان‌دهی شرکت تلفن

در فاصله میان دوره اول و دوره دوم مجلس، شرکت سهامی کل تلفن ایران وضع بدی داشت و تشکیلات اداری منطقی نداشت. در این شرایط از طرف محمود شیبانی (محاسب الممالک)، ارباب کیخسرو به‌عنوان مدیرعامل شرکت تلفن انتخاب شد. ارباب کیخسرو از سال ۱۲۹۵ خورشیدی کار خود را آغاز کرد و برای اداره‌ای که فقط یک حسابدار، یک انباردار و یک مستخدم داشت و دفتر و حساب و کتاب منظمی نداشت، تشکیلات اداری منظمی برقرار کرد.



ارباب کیخسرو و همراهان در کارخانه زیمنس آلمان به هنگامی که تصدی شرکت تلفن را برعهده داشت

قحطی سال‌های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ خورشیدی

جنگ جهانی اول، پس از ترور ولیعهد اتریش، از صربستان شروع شد. در ایران هم اوضاع به هم‌ریخت و کشور دچار قحطی شد. این اتفاق در شش سال فترت مجلس شورای ملی روی داد. نخست‌وزیر در این هنگام حسن وثوق‌الدوله بود. حسن مشیرالدوله وزیر دارایی بود.

نخست‌وزیر از ارباب کیخسرو می‌خواهد تا به وضع گندم و غلات سروسامان بدهد. او هم می‌پذیرد ولی در مدت کوتاهی به واسطه عدم همکاری مسئولین استعفا می‌دهد. در سال ۱۲۹۷ خورشیدی، به واسطه اصرار وثوق‌الدوله، دوباره مسؤولیت را قبول می‌کند. ولی وثوق‌الدوله در این زمان استعفا می‌دهد و مستوفی‌الممالک نخست‌وزیر می‌شود. ارباب کیخسرو از مجدالدوله و سردار کل، غلات می‌خرد. در بازار آزاد گندم خیلی گران شده بود. مردم در سختی بودند، تیفویید هم در تهران شیوع یافته بود. احمدشاه در این هنگام انبار گندم بزرگی داشت. ارباب ناچار به او مراجعه می‌کند. احمدشاه گندم انبار خود را خرواری حدود ۹۰ - ۱۰۰ تومان قیمت‌گذاری می‌کند. ولی ارباب به زحمت و خواهش و التماس زیاد از احمدشاه به این عنوان که گندم را برای رعایای پادشاه می‌خرد، نه برای خودش، بالاخره انبار گندم شاهزاده را به قیمتی ارزان خریداری می‌کند. در این موقع چند وزیر دارایی — مانند اسفندیاری، حاج محتشم‌الدوله و بعد از او ممتازالدوله — استعفا دادند. بی‌تردید اگر ارباب زرتشتی نبود، در آن زمان وزیر شده بود.

مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر هم استعفا داد و عین‌الدوله نخست‌وزیر شد. بعد او هم استعفا داد و صمصام‌السلطنه بختیاری نخست‌وزیر شد. ولی ارباب کیخسرو حاضر نبود برای گندمی که برای مردم خریداری می‌شود، مبلغ گران بپردازد. او پس از چند بار استعفا، بالاخره گندم را برای مردم بیشتر از خرواری ۳۷/۵ تومان خرید و سرانجام در زمان صمصام‌السلطنه کار را پایان داده و استعفا می‌دهد.

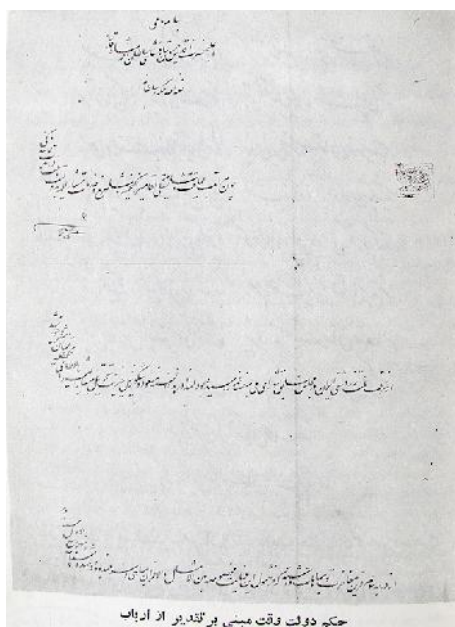


تاجگذاری احمدشاه

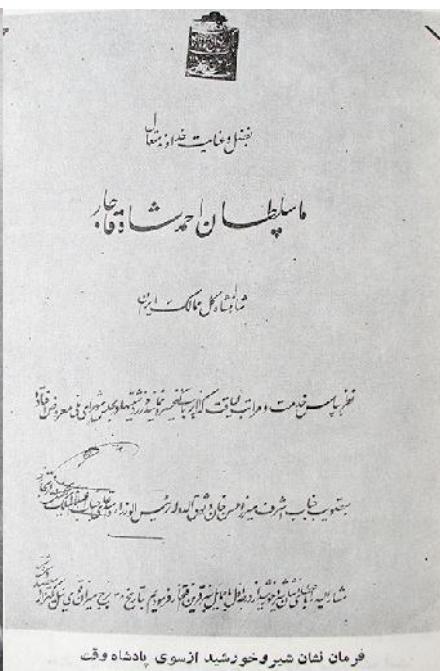
هنگامی که سلطان احمد میرزا ۱۸ ساله شد و می‌توانست تاج‌گذاری کند. عده‌ای از بزرگان برای برگزاری مراسم تاج‌گذاری‌اش مأمور شدند، ولی هیچ‌کدام به‌درستی از عهده برنیامدند. بعد از شکست‌های پی‌درپی در برگزاری مراسم تاج‌گذاری، خود احمدشاه از ارباب کیخسرو خواست تا کار را به عهده بگیرد. بنا بود به مناسبت بر تخت نشستن و تاج‌گذاری، سی تاق نصرت بر پا شود و شهر چراغانی شود. شاه برای تاج‌گذاری به تهران آمد و در مقابل نمایندگان مجلس قسم خورد. ارباب کیخسرو قسم‌نامه را به او می‌دهد تا امضا کند. پس از برگزاری مراسم، از ارباب صورت‌حساب خواستند و او گفت فقط ۱۲۶۰۰ تومان خرج کرده. نخست‌وزیر وقتی صورت‌حساب را دید گفت بی‌گمان اشتباه شده، شاید ۱۲۶۰۰۰ تومان خرج شده. ارباب کیخسرو می‌گوید، خیر همان ۱۲۶۰۰ تومان خرج کرده‌ام. ارباب در خاطراتش می‌نویسد: دو روز بعد نخست‌وزیر و محتشم‌الدوله اسفندیاری که در کمیته برگزاری مراسم بودند به ملاقاتش رفتند، تشکر شاه و نخست‌وزیر را ابلاغ کردند و خواستند به دستور شاه یک انگشتر الماس، یک مدال درجه‌یک و فرمان به او بدهند، ولی او می‌گوید کار مهمی نکرده، فقط وظیفه خود را انجام داده و انگشتر و مدال و فرمان را هم قبول نمی‌کند.



ارباب با گروهی در جشن تاجگذاری احمد شاه



حکم دولت وقت مبنی بر تقدیر از ادباف

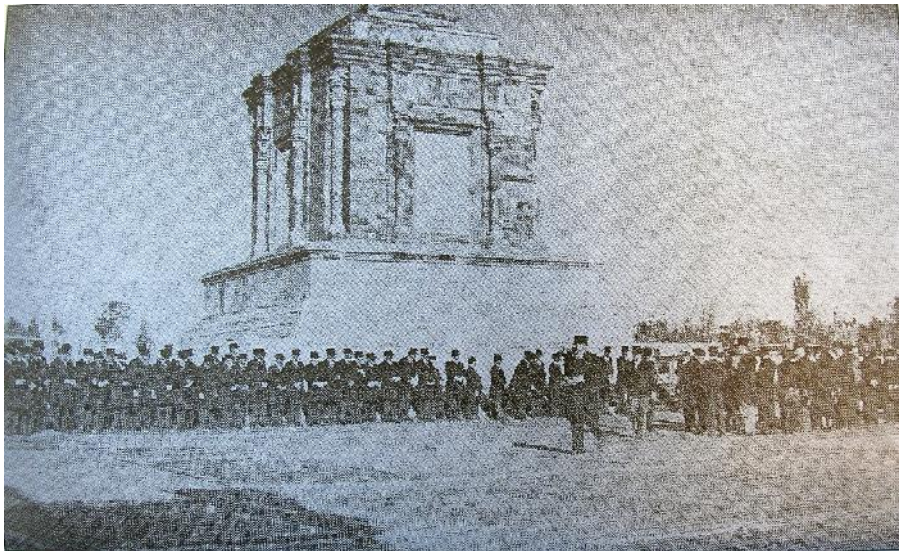


فرمان نشان شیر و خورشید از سوی پادشاه وقت

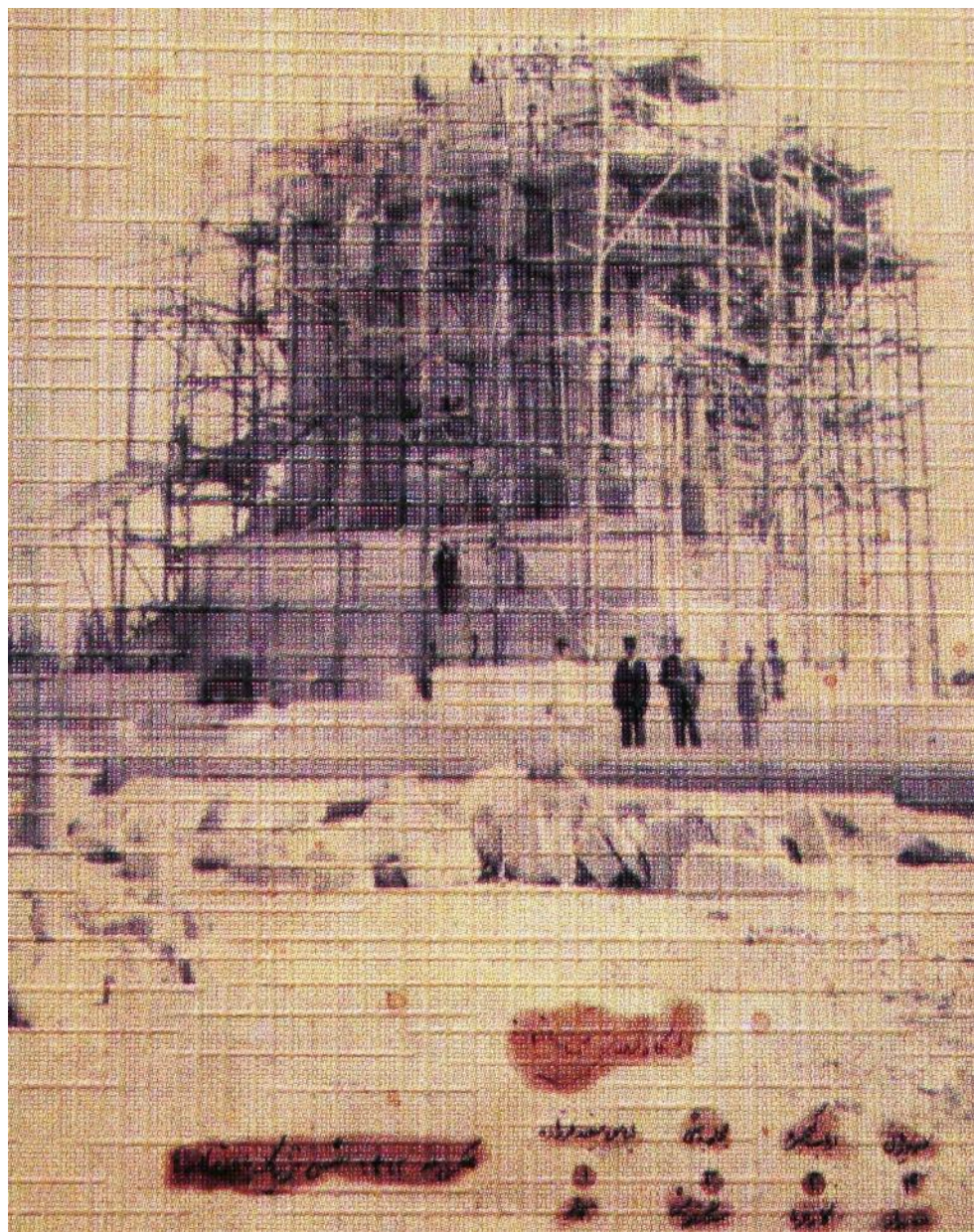
ساختن آرامگاه فردوسی

در سال ۱۳۰۵ خورشیدی، انجمن آثار ملی برای یافتن مقبره و ساختن آرامگاه فردوسی دست‌به‌کار می‌شود. کمیسیونی برای این کار تشکیل شد که چهار نفر در آن عضو بودند: محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر، ارباب کیخسرو، هرتسفلد آلمانی و گذار فرانسوی. ارباب کیخسرو به خراسان (توس) می‌رود و پس از تحقیقات کافی می‌گوید: فردوسی را در قبرستان عمومی به خاک نسپرده‌اند و جنازه او را به دخترش دادند و او هم در باغ متعلق به پدرش به نام «باغ قایم‌مقام» جسد را دفن کرده است.

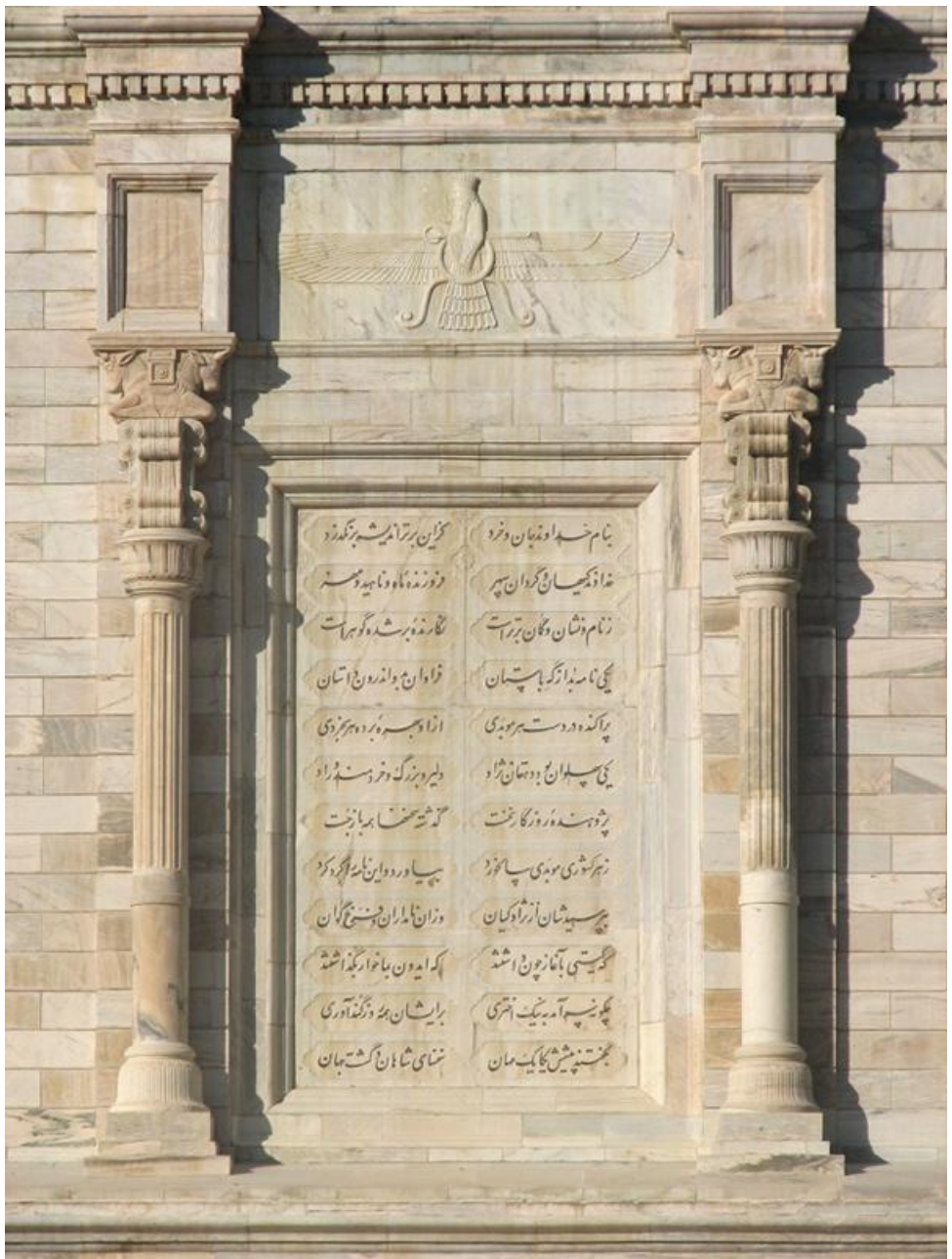
پس از یافتن محل دفن فردوسی، از هرتسفلد و گذار می‌خواهند نقشه‌ای برای آرامگاه فردوسی بکشند و هم‌چنین برای مخارج آرامگاه، ارباب کیخسرو پیشنهاد می‌کند ده هزار تومان از طرف صرفه‌جویی‌هایی که از حقوق نمایندگان جمع شده، بپردازند و بقیه را از لاتاری تهیه کنند. نقشه را ابتدا گذار تهیه می‌کند که در ساخت دچار مشکل می‌شود و ارباب از استاد لرزاده نقشه می‌خواهد که مورد قبول قرار می‌گیرد. ارباب کیخسرو مسئولیت ساختن این بنا را می‌پذیرد. کنترل کار دیگران و به‌ویژه صورت مخارجی که می‌دادند، اغلب بد و بیشتر از مخارج واقعی بود و قبول یا عدم قبول آن سخت و مشکل بود. هنگام جشن هزاره فردوسی، رضاشاه، نخست‌وزیر فروغی (ذکاءالملک)، اعضای انجمن آثار ملی و بزرگ‌ترین شخصیت‌های کشوری حضور داشتند و از زحمات ارباب کیخسرو تشکر کردند.



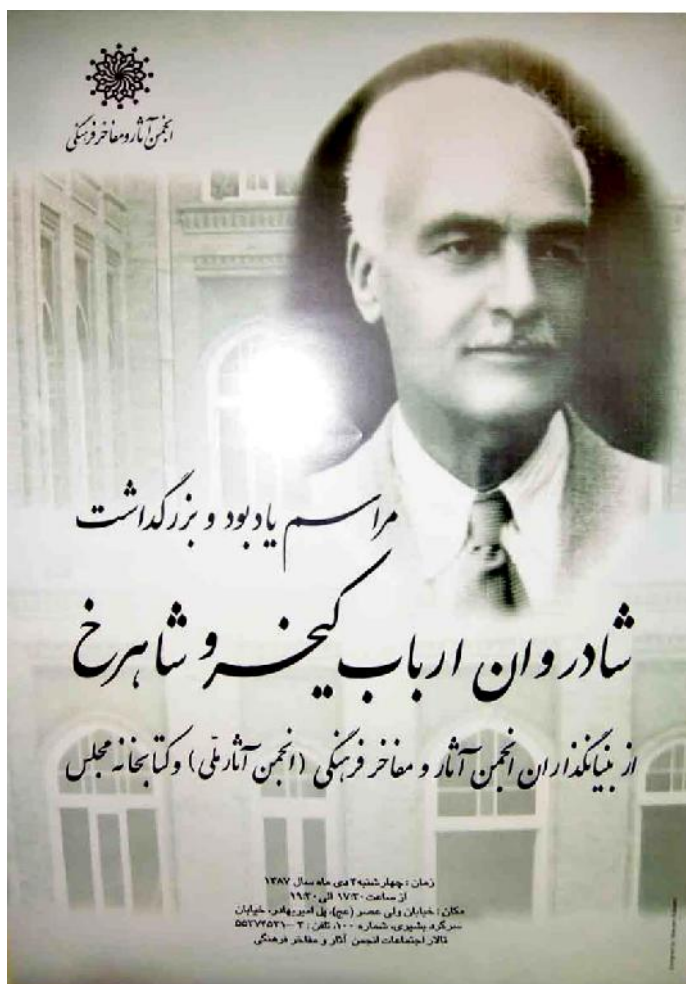
هیأت کلی بنا آرامگاه کوروش بزرگ در پاسارگاد را تداعی می‌کند.



ارباب کیخسرو شاہرخ بانی آرامگاہ فردوسی به همراه حسین لرزادہ معمار آرامگاہ



نمایی از آرامگاه فردوسی که به وسیله زنده یاد هوشنگ سیحون (پدر معماری نوین ایران) در سال ۱۳۴۷ بازسازی شد.

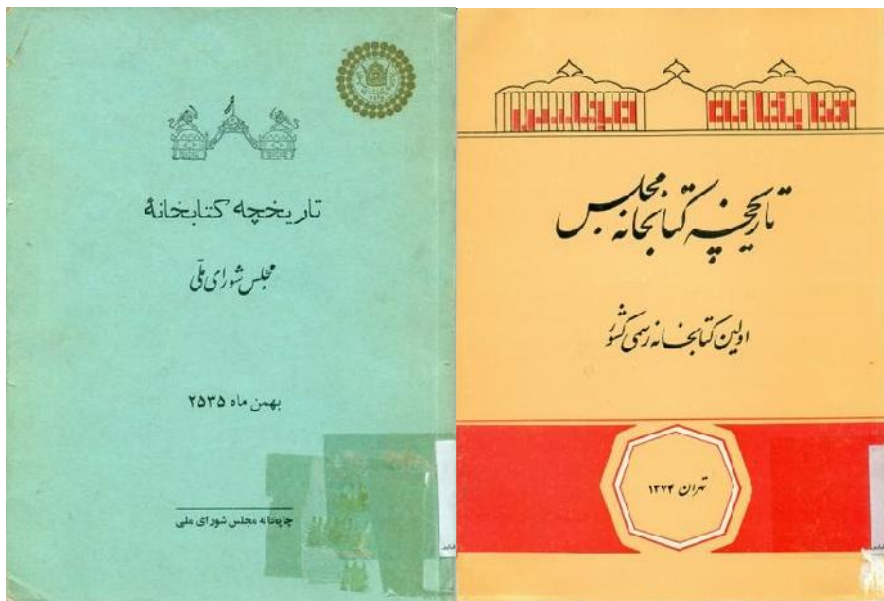


بنیادگذاری کتابخانه مجلس شورای ملی

شرح خدمات ارباب کیخسرو در مجلس شورای ملی و ریاست مباشرت مجلس که تا سال ۱۳۱۹ خورشیدی ادامه داشت، بسیار مفصل است و باید درباره آن کتابی نوشت، به ویژه خدمات او در مورد توسعه ساختمان مجلس و توسعه کتابخانه مجلس قابل توجه است.

کتابخانه مجلس در دوره اول دارای ۵۱ جلد کتاب بود. در دوره دوم به کوشش حاج سید نصراله تقوی، ۲۰۲ جلد کتاب از طرف میرزا عبدالحسین جلوه به کتابخانه اهدا شد. بعد آقای مخبرالسلطنه، ۱۰۹۰ جلد کتابهای فارسی و به زبانهای دیگر به کتابخانه مجلس اهدا کرد.

سپس ۵۰ جلد کتاب دیگر خریداری شد و تعداد کتاب‌ها به ۱۳۹۴ جلد بالغ شد. در دوره دوم مجلس شورای ملی، ارباب کیخسرو روی اصول مدرن روز کتابخانه‌ای را در مجلس پایه‌گذاری کرد که اکنون نیز پابرجاست.



نمایی از کتابخانه مجلس در دوران ارباب کیخسرو شاهرخ



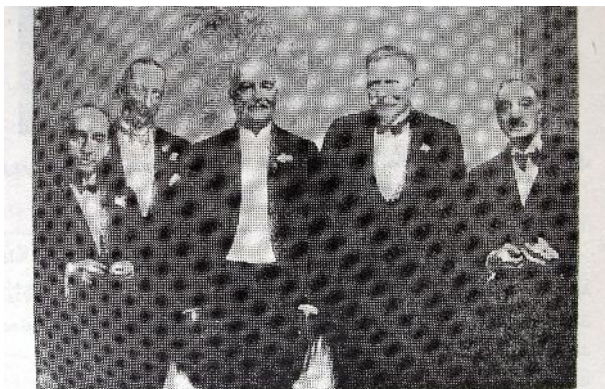
سرانجام کار ارباب

ارباب در خاطرات خود می‌نویسد: «... حرفه من، بعد از مدرسه رفتن، مدیریت مدرسه و معلمی بوده و بعد در تجارتخانه ارباب جمشید، سمت دبیری و سردبیری و سپس نمایندگی مجلس و شرکت تلفن... در زندگانی خود عشق و علاقه به تجارت هیچ نداشتم. میل مفرط من اولاً در خدمت معارف و تأسیس مدارس ثانیاً سیاست و انجام خدمات عمومی، ترتیب کار اداری و از حیث شغل، عمل فلاحات را بر هر چیز دیگر رجحان می‌داده‌ام. چنان‌که در قسمت فیروزبهرام (منظور ده فیروزبهرام است؛ در جنوب فرودگاه مهرآباد) و سعیدآباد و هاشم‌آباد، که بدبختانه برای خودم نماند، طوری به آبادانی پرداختم که ضرب‌المثل شده...»

ارباب کیخسرو به راستی از عهده همه کارهایی که مورد علاقه‌اش بوده به‌خوبی برمی‌آید و قدرت و توانایی او در مدیریت و به سرانجام رساندن کارها شگفت‌انگیز بود.

در پایان دوره قاجار و آغاز دوره رضاشاه در هرجایی که کار لنگ می‌شد و کسی از عهده مدیریت قاطع و پیش‌بری کار برنمی‌آمد، کار را به ارباب کیخسرو می‌سپردند و کار به‌درستی و پاکیزگی تمام می‌شد. در بسیاری از این خدمات، ارباب نه تنها وجهی و دیناری دریافت نمی‌کرد، بلکه

متضرر هم می‌شد. می‌نویسد: «... اعلیحضرت در نهم آذر ۱۳۰۹ شمسی مرا احضار و امر فرمودند ریاست نظارت راه‌آهن را بر عهده داشته باشم و بعد مأموریت عقد قرارداد تجارتی با سوئد را دادند. در این پانزده‌ماهه دیناری به‌عنوان حقوق یا مدد معاش نگرفتم و حتا قریب ۷۶ هزار تومان متضرر شدم...»



ارباب کیخسرو و چند تن همراهان در یکی از مسافرت‌های خارج به‌نگام مذاکره برای خرید لوازم راه‌آهن

با همه این از خودگذشتگی‌ها، رضاشاه دستور قتل او را صادر می‌کند! در زمان جنگ جهانی دوم، یکی از پسران ارباب (شاه‌بهرام) که از قدرت بیان بسیار بالایی هم برخوردار بوده، در رادیوهای خارجی (رادیو کلن) به بدگویی از رضاشاه می‌پردازد و او را دیکتاتور و خائن به وطن می‌نامد. چندین بار رضاشاه به ارباب تذکر می‌دهد، ولی کار با شدت بیشتری هم‌چنان دنبال می‌شود. این موضوع شاه را بسیار خشمگین می‌کند، چراکه این برنامه در میان ایرانیان بسیار پرشنونده بوده و پسر ارباب، در گفتارهایش مردم را برای قیام علیه دیکتاتوری رضاشاه تحریک می‌کرده است. رضاشاه هم از پدر انتقام می‌گیرد.



شاه‌بهرام یکی از پسران ارباب کیخسرو که در رادیو کلن از رضاشاه بدگویی می‌کرد

در شب یازدهم تیرماه که ارباب در یک جشن عروسی شرکت داشته، عباس مسعودی، مووسس روزنامه اطلاعات، ارباب را صدا می‌کند و به او می‌گوید که در بیرون کسانی با او کار دارند (بر مبنای گفتگوی نگارنده با دکتر بوذرجمهر مهر. دکتر بوذرجمهر مهر، آخرین نماینده زرتشتیان در مجلس شورای ملی بوده است. او فرزند مهربان مهر است. مهربان مهر سال‌ها کارگزار و حسابدار مجلس بوده و زیر نظر ارباب کیخسرو در مجلس کار می‌کرده و با ارباب همسایه بوده. به‌طوری‌که وقتی از ارباب تا دیروقت شب خبری نمی‌شود، همسر ارباب، اول به مهربان مهر تلفن می‌زند و از او مکان ارباب را جویا می‌شود و او شرح را می‌گوید). ارباب پس از خارج شدن از مراسم، دیگر برنمی‌گردد و گویا با آمپول هوای پزشک احمدی کشته می‌شود و جسدش را صبح روز بعد در نزدیکی خانه‌اش، در خیابان کاخ پیدا می‌کنند و چگونگی قتل این بزرگ‌مرد تاریخ معاصر ایران سربهمهر می‌ماند.



برگزاری مراسم یاد بود بر آرامگاه شادروان ارباب کیخسرو شاهرخ
در ۱۳۲۱ خورشیدی



برای آگاهی بیشتر به کتاب «خاطرات ارباب کیخسرو» مراجعه شود.

- رئیس گروهی برای کشف و شناسایی آرامگاه فردوسی
 - بنیان گذار آرامگاه فردوسی
 - مسئول هماهنگ کننده برگزاری مراسم هزاره فردوسی در سال ۱۳۱۳
 - یکی از بنیان گذاران انجمن آثار ملی (انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)
 - نگارش کتاب های آینه آیین مزدیسنی و فروغ مزدیسنی
 - بنیان گذار آرامگاه قصر فیروزه تهران (آرامگاه زرتشتیان تهران)
 - عامل اصلی به تصویب رساندن احوال شخصیه اقلیت های مذهبی در مجلس
 - دوازده دوره، ۳۰ سال، نماینده زرتشتیان در مجلس از ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۹
 - سلسله نامه: بهرام گور، پادشاه ساسانی
- پس از سال ها نهایتاً چندین سال پیش کوچه ای نیز در خیابان جمهوری به نام ارباب کیخسرو شاهرخ نام گذاری شد و تندیس از او در سالن مطالعه مجلس نصب کرده اند.



بدینوسیله از تمامی مدیران، دبیران، پرسنل و دانش آموزان فیروزبهرام و چه بسا وابستگان و پیوستگان آنها از گذشته تا کنون برای همکاری و همفکری با ویژه نامه نامداران فیروزبهرام استقبال می شود.

مدیر مسئول: منوچهر جاوید

سر دبیر و عکس ها: کامران فریدونی

مسئول صفحه بندی: اردشیر کاویانی گوهری

همکاران این شماره: بوذرجمهر پر خیده

خواهشمندیم نوشته های خود را تایپ شده در محیط word ارایه دهید.

همه نوشته ها دیدگاه ویژه نامه نامداران فیروزبهرام نیست .

ویژه نامه نامداران فیروزبهرام در ویرایش نوشته ها آزاد است .

چاپ نوشته های ویژه نامه نامداران فیروزبهرام با آوردن نام آن آزاد است .

نشانی ویژه نامه نامداران فیروزبهرام همان نشانی فیروزبهرام است:

خیابان جمهوری خیابان میرزا کوچک خان- پلاک ۲

شماره های تماس فیروزبهرام: ۶۶۷۰۲۱۰۱ - ۶۶۷۱۳۶۸۴ - ۶۶۷۴۰۱۱۸

شماره تلفکس و پیام گیر: ۶۶۷۱۹۵۹۲

توجه: ویژه نامه نامداران فیروزبهرام هم اکنون فقط با فرمت PDF بر روی وب سایت فیروزبهرام آماده دیدن است

نشانی وب سایت فیروزبهرام: www.firoozbahram.ir

E-mail: Info@firoozbahram.ir



*ARBAB KAIKHOSRO SHAHROKH
PRESIDENT, ZOROASTRIAN ANJUMAN IN PARLIAMENT*